

زیکای اجتماعی؛ ویروس توسعه نیافتگی

نظر اشخاص است نه مبتنی بر واقعیات و آمار و اطلاعات. البته تولید آمار و اطلاعات هم شکلی غیر واقعی دارد و در بیشتر اوقات اهداف بر روی کاغذ محقق می‌شوند در حالی که واقعیت چیز دیگری است.

در این جامعه، اختلاس گران و خلافکاران اقتصادی معروف‌تر از کارآفرینان می‌شوند. به طوری که کسی کارآفرینان یا سرمایه‌گذاران یا صنعتگران و یا تاجران موفق ملی را نمی‌شناسد و آنها را تبدیل به سرمایه‌نمادین (به عنوان جاذب سایر سرمایه‌ها) نمی‌کند اما متخلفین شهره‌ی عام و خاص می‌شوند، حال هر چه تخلف سنگین‌تر باشد، شهرت بیشتر می‌شود. در واقع هر کس شفاف‌تر و سالم‌تر فعالیت می‌کند بیشتر به چالش کشیده می‌شود و بر چسب می‌خورد اما کسانی که فعالیت زیرزمینی دارند و عموماً ثروت‌های ملی را به یغما می‌برند، قهرمان می‌شوند!

در این جامعه رسانه‌ها، مخلصین اولیای امور هستند نه ابزاری برای شفاف سازی و اطلاع‌رسانی، رسانه، ابزاری برای قدرت‌نمایی عده‌ای خاص و یا خلق هراس‌های فرضی در اذهان هستند تا بتوانند نقطه تعادل جامعه را به نفع صاحبان قدرت و ثروت حفظ کنند.

در این جامعه چنین مفهومی وجود دارد که هیچ کاری بی‌پوده تر از کار مشارکتی و گروهی نیست! همچنین فعالین اقتصادی بخش خصوصی آن، اولاً عزت نفس بالایی ندارند و دوماً جامعه را چنان ضعیف می‌بینند که موفقیت و پیشرفت، خود را در گروه خوش خدمتی به برخی افراد خاص که بعضاً صاحب قدرت هستند، می‌دانند.

در این جامعه، یک سری قواعد کلی بدین شرح وجود دارد؛ پیش از اینکه فروخته شوی باید دیگران را بفروشی، همیشه رد گم کن، هیچ وقت توضیح نده و یادداشت هم نکن تا مبادا دیگران بعدها آن را کشف کنند، همه چیز را تکذیب کن به جز تعریف و تمجید از خودت، همیشه دشمنی وجود دارد پس مراقب باش و الی آخر...

در این جامعه، رگ زنی دسته جمعی و ذهن‌کشی عمومی وجود دارد. رگ زنی یعنی افراد در اولین فرصت به یکدیگر آسیب می‌رسانند، سد راه یکدیگر می‌شوند و سنگ اندازی می‌کنند. بنابراین افراد این جامعه به جای تمرکز بر اهداف خود برای رسیدن به نتیجه مدام باید در صدد پیش‌بینی و کنترل رفتار دیگران باشد که از آسیب‌مصون بماند. ذهن‌کشی یعنی شرايطی در جامعه به وجود می‌آید که اولاً نخبانگان و اندیشمندان را به حاشیه براند و دوماً انگیزه‌ی ورود و ارائه نقطه نظرات را از جوانان خوش فکر بگیرد.

ناقلین ویروس زیکای اجتماعی در این جوامع معمولاً دانشگاه‌ها، مدارس، مطبوعات، رسانه‌های جمعی و غیره هستند که از یک منبع مشترک ارتزاق می‌کنند که آن هم صاحبان قدرت و ثروت هستند. تاکنون درمان دقیق و مشخصی برای این ویروس اجتماعی کشف و پیشنهاد نشده است. بنابراین مادامی این ویروس از جامعه‌ای دفع نشود، آن جامعه، توسعه یافته نخواهد شد. لازم به ذکر است در جوامع کمتر توسعه یافته، درجه‌ی پیشرفت این ویروس متفاوت است اما به هر حال وجود این عارضه، راه را بر توسعه‌ی این جوامع می‌بندد و لو اینکه شکل ظاهری آن مدرن و شیک باشد. یعنی وجود آسمان‌خراش‌ها و خودروهای لوکس دلیلی بر توسعه نیافتگی نیست اما یکی از مهمترین نشانه‌های توسعه نیافتگی، پاک کردن ویروس زیکای اجتماعی از دامن آن جامعه است.

ویروسی به نام «زیکا» که توسط پشه به انسان منتقل می‌شود اخیراً در برخی کشورهای جهان باعث هراس شده



علی خزاعی



محمد رضا دهقان‌پور

است. شواهد نشان می‌دهد این ویروس در افراد بالغی که باردار نباشند تنها منجر به بروز علائمی همچون تب، جوش‌های خارش‌دار، درد مفاصل و التهاب چشم‌ها می‌شود. اما برای مادران باردار خطرناک است و منجر به بروز بیماری «میکروسفالی» در نوزاد می‌گردد. میکروسفالی یا «کوچک سری» اختلالی در دستگاه عصبی است که باعث تولد نوزادان با جمجمه و مغز کوچکتر از حد معمول می‌شود. تاکنون هم هیچ راه درمانی نداشته و تنها باید مراقب گزیده شدن پشه‌های ناقل بود.

از این مقدمه می‌توان برای طرح این موضوع در حوزه‌ی اجتماعی کمک گرفت مبنی بر اینکه در برخی جوامع کمتر توسعه یافته که عمدتاً مردمانی احساساتی، متعصب و به طور کلی منطقی‌گریز دارند، آلوده به ویروسی هستند که اصطلاحاً آن را می‌توان زیکای اجتماعی نامید. در اینجا منظور از کشورهای کمتر توسعه یافته لزوماً کشورهای فقیر به لحاظ اقتصادی نیست و منظور کشورهایی است که از منابع و امکانات

نسبی برخوردارند اما به دلایل متعدد سیاسی، فرهنگی، مدیریتی، اجتماعی و غیره توسعه یافته نشده‌اند. به طور مثال در برخی کشورهای عربی که ظواهر مدرنی دارند در ابتدایی‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی دچار عقب‌ماندگی شدید هستند. در این جوامع ویروس زیکای اجتماعی بر عملکرد منطقی مغز تأثیر گذاشته و جلوی کارکرد کمتر احساسی آن را می‌گیرد. مسیر توسعه‌ی جوامع مبتلای به این ویروس سینوسی، پرپیچ‌وخم و بعضاً صعب‌العبور است. چرا که ارتباط تنگاتنگی بین توسعه‌ی یک جامعه و معضل منطقی‌گریزی وجود دارد. در واقع از آنجایی که انسان، محور توسعه است بنابراین هر گاه بر مدار عقلانیت و منطق حرکت کند می‌توان امیدوار به توسعه یافته شدن آن جامعه بود. وقتی یک جامعه تمرکز کمتری بر انجام امور عقلانی و منطقی دارد و یا چشم به روی آن می‌بندد یعنی بیمار است و مبتلای به ویروس زیکای اجتماعی شده است.

علاوه بر مواردی که به آن اشاره شد، برخی از مشخصه‌های یک جامعه‌ی مبتلای به ویروس زیکای اجتماعی را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد: در این جامعه مشابه اکثر جوامع، قانون وجود دارد اما اولاً برخی افراد یا گروه‌های خاص از دایره‌ی قانون خارج هستند و بالاتر از قانون قرار می‌گیرند. دوماً اهتمام به قانون سلیقه‌ای و حتی گریز از آن فعلی قهرمانانه تلقی می‌شود، به میزانی که مردم یک جامعه پایبند به قانون نیستند و از قوانین، عامدانه تمکین نمی‌کنند مبتلای به این بیماری اجتماعی خواهند بود. در این جامعه هیچکس سر جای خودش قرار ندارد. مهندسان نقش سیاست‌گذار، پزشکان نقش برج‌ساز، دانشگاهیان نقش دلال و رسانه‌ها نقش مجیزه‌گویان صاحبان قدرت و ثروت را بازی می‌کنند. همچنین اصحاب اندیشه، ایده و سیاستمداران هم عمدتاً طرد می‌شوند. شاید بتوان میزان طردشدگی صاحبان اندیشه و سیاستمداران واقعی از بطن جامعه را یکی از نشانه‌های ویروس زیکای اجتماعی مطرح کرد.

در این جامعه، سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها عمدتاً قائم به

۱. دبیر شورای سیاستگذاری «اقتصاد کرمان»

۲. مدیر عامل شرکت پیشگامان دانش کارمانیا

